

پژوهشی پیرامون ترانه

به گوران یکی از عشایر مهم کرد پیرو آیین یارسان می باشد. آثار منظوم گورانیان ده هجایی است و چون هر یک لحن و آهنگ ویژه ای دارد، این نام در گویش کردی فراگیر شده و هر شعر عامیانه ای را که با آهنگ ویژه خوانده شود، گورانی می گویند.

بخش عمده اوستا منظوم و شامل اشعار ده هجایی است، و همان طور که واژه «گورانی» در کردی برای ترانه های آمیخته با آهنگ به کار می رود، واژه «گاته» نیز به ترانه های مذهبی آهنگین اوستایی اطلاق می شده است. واژه گوران از «گیران» گرفته شده که بیگانگان، زردشتیان را به این نام خوانده اند.

در میان کردها، بیش از دوست ترانه باستانی رواج دارد که هر کدام ریشه در گذشته های بسیار دور داشته و سینه به سینه تا به امروز رسیده است.

از میان این ترانه ها، برخی ویژه شب هستند و در روز خوانده نمی شوند، برخی نیز ویژه روز هستند. همچنین ترانه های ویژه کودکان و بزرگسالان و پیرمردان و زنان و کوهستان و دشت و سرچشمه، ترانه سپیده و نیمروز و ترانه های کار و ترانه های میهنی و حماسی وجود دارد که هر کدام به مناسبتی خوانده می شود. در ترانه کردی گفت و گوی عاشق و معشوق از هم متمایز است. برای نمونه پرس دل داده (عاشق) با پسوند (و-ه) و دختر دلبر (معشوق) با پسوند (ی-ه) همدیگر را فرامی خوانند. برای نمونه های ل ل (hay le le) ویژه دلبر است و های ل ل (hay lo lo) ویژه دل داده.

برخی از پیشوندهای آغازین ترانه ها:

هآه هآه [ha ho-ha ho]

تو تو [taw-taw]

جان جان [jane-jane]

هآه - هآه [hahe-hahe]

دل ل ل [dale le le]

دل ل ل [dal lo lo]

ویل - ویل [waylo-waylo]

ویل - ویل [wayle-wayle]

ترانه باستانی هوره [hora]

این ترانه، کهنترین گونه ترانه کردی است که از زمانهای بسیار دور به یادگار مانده است. این ترانه، ویژه ستایش اهورامزدا بوده و کردها آن را هنگام ستایش یزدان و یا مرگ عزیززی یا روی دادن پیشامدی ناگوار، می خوانند و «هوره سرایی» می کردند. واژه «هوره» از «آهوره» گرفته شده است و خواندن این آواز بدین شیوه است که با گذشت چند

فرهنگ عامیانه هر قوم، بارزترین و بهترین نشانه شناسایی ویژگیهای آن قوم است. در این گفتار مختصر، با نگاهی به فرهنگ کردی، یکی از ترانه های باستانی را بررسی می کنیم.

ترانه های کردی شامل دو مصراع و هر مصراع مرکب از ده هجاست. از لحاظ قافیه، حروف آخر دو مصراع یکسان و اغلب تابع قوانین قافیه در زبان فارسی و عربی است، ولی چون با میزان عروضی سنجیده نمی شود ناگزیر برای سنجش شعر باید شماره هجاها و بلندی یا کوتاهی آخرین هجای مصراع را در نظر گرفت.

ترانه کردی، کهنترین بخش ادب فولکلور در ادبیات کردی است. بیشتر ترانه های باستانی کردی شامل اشعار ده هجایی است. اشعار ده هجایی که کلیه متون ادیان باستانی ایران با آن سروده شده، از زمانهای بسیار کهن رایج بوده است. در زبان پهلوی، چه در آثار مانوی و چه در آثار اشکانی و ساسانی، شعر هجایی دیده می شود. در گاتها نیز می توان شعرهایی یازده و دوازده و چهارده و شانزده و نوزده هجایی یافت. در یشتها وزن شعری اغلب هشت آهنگی است و در میان آنها شعرهای ده هجایی و دوازده هجایی نیز دیده می شود.

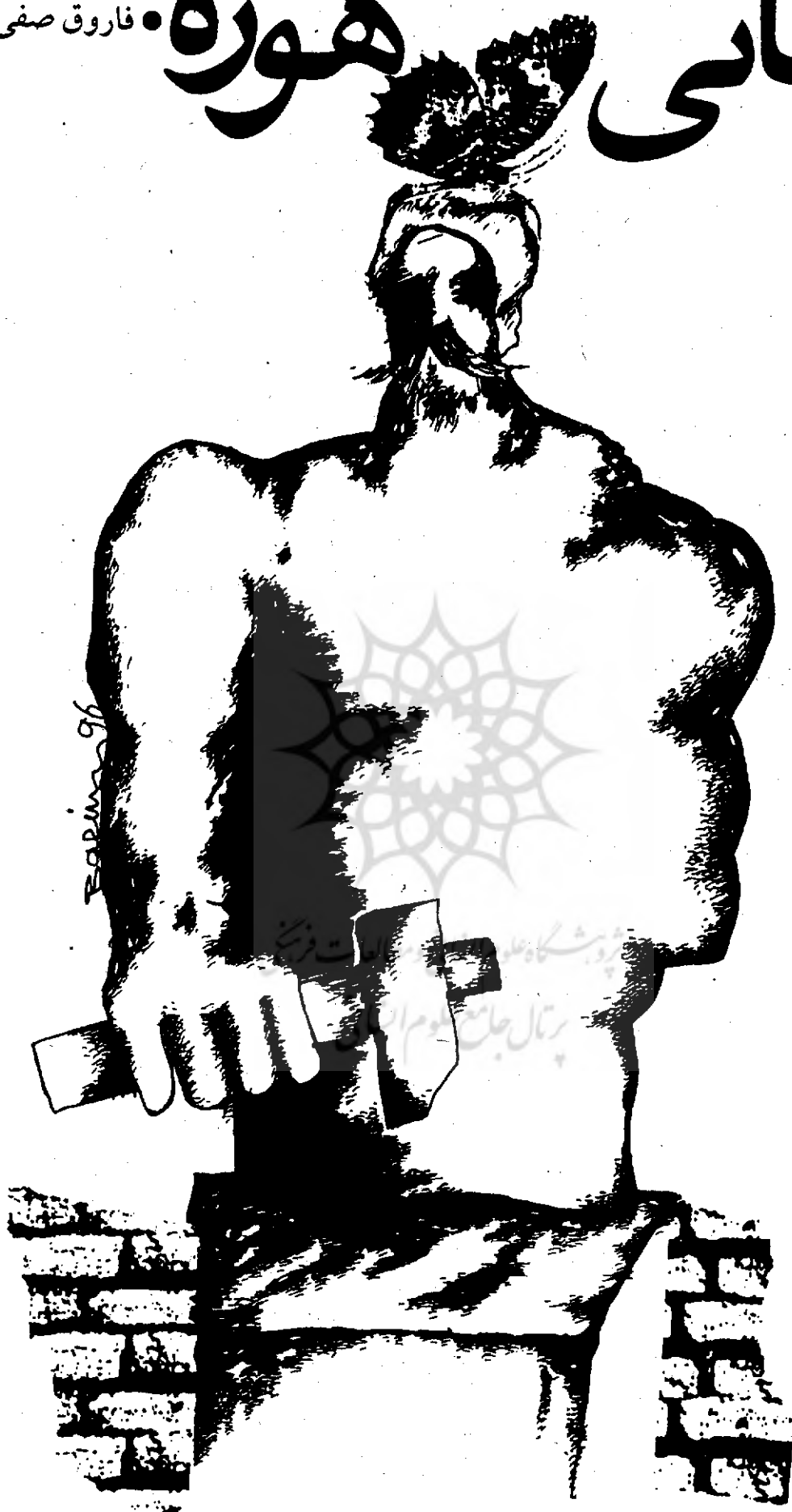
در گویشهای زبان کردی، که از گویشهای کهن ایران به شمار می رود، اشعار ده هجایی بخش اصلی ادبیات کردی را تشکیل می دهد و تمام منظومه ها و داستانهای عشقی و رزمی و عرفانی ایرانی مانند: شاهنامه، خسرو و شیرین، شیرین و فرهاد، نادر نامه و بهرام و گلندام... که به گویش گورانی (هورامی) و به گویشهای گونه گون کردی سروده شده است، همه ده هجایی است. این شعرها دو مصراع دارند و هر مصراع نیز به دو بخش پنج هجایی تقسیم می شود و وقف همیشه پس از هجای پنجم یعنی در وسط هر مصراع است. پژوهشگران قدیم اسلامی از این اشعار که بر مبنای شماره هجاها سروده شده است، با نام فهلویات یاد کرده اند.

شمس قیس رازی در کتاب المعجم فی معاییر اشعار المعجم که در آغاز سده هفتم هجری به رشته تحریر در آمده است می گوید: «خوشترین اوزان، فهلویات است که ملحونات آن را اورامنان خوانند.» اورامن یا اورامنان (هورامان) نمودار آهنگ و لحن مردم سرزمین اورامان (هورامان) کردستان است که گویش آن را به نام «گورانی» (گیرانی) خوانند.

نامه سرانجام (کتاب مقدس یارسانیان) که دربرگیرنده سروده های دینی است، به شکل ده هجایی به گویش گورانی سروده شده است.

در کردی به ترانه «گورانی» می گویند. واژه گورانی منتسب

پلستانی هوره • فاروق صفی زاده



* آهنگهای هوره

هوره با حالتها و آهنگهای گونه گونی خوانده می شود. هر هوره خوان برای خود، سبک ویژه ای دارد. اگرچه هر هوره خوان می تواند از سبک هوره خوانهای پیشین نیز تقلید کند، هر کدام از آنان، بویژه کسانی که چیرگی و تسلط بیشتری دارند، می گویند که آهنگی نو و ابتکاری به نام خود ثبت کنند و سبک جدیدی را به بازار هوره عرضه نمایند.

برخی از سبکها و حالتهای هوره، بسیار آرام و باسوز ادا می شوند و برخی دیگر حالتی تندتر و ریتمی کوبنده تر دارند. دشوارترین این سبکها که نیاز به تخصص و تسلط کافی فرد هوره خوان دارد، سبک «دوهویی» یا «دو دنگی» (دو صدایی) است. همان گونه که در موسیقی سنتی ایرانی، آوازها در دستگاههای گونه گونی همچون شور، ماهور، چهارگاه، بیات ترک، کرد بیات، دشتی و... ادا می شود، هوره نیز چنین است. و همان گونه که در دستگاههای آواز، «مرکب خوانی» دشوارترین دستگاه است و نیاز به مهارت و تسلط کافی خواننده دارد، در هوره نیز خواندن سبک «دوهویی»، احتیاج به تسلط و مهارت هوره خوان و نفس او دارد. در حالت «یک هویی» هوره خوان یک بیت شعر را در یک آهنگ و ریتم مشخص می خواند. اما در حالت «دوهویی»، هوره خوان بدون توقف، دو بیت شعر را در دو آهنگ و ریتم گونه گون پشت سر هم ادا می کند، که این کار نیاز به تمرین و تسلط و چیرگی و توانایی و صورت و نفس فراوان خواننده «هوره» دارد. به همین خاطر است که مهارت و توانایی «هوره خوان»ها را در مناطق کردنشین، با نحوه «دوهویی» خوانی آنان می سنجند.

سروده های هوره

سروده هایی که در هوره کاربرد دارد شامل بخشهای زیر است:
الف. سروده های حماسی: در این سروده ها، شهامت، وطن دوستی، و ستایش آب و خاک و نژاد نمایان است.
ب. سروده های طبیعت: وصف زمین و آسمان و ستاره و دشت و چمنزار و گل در این سروده ها آمده است.

فرسلی نه و وه هار، وه ختی گل گه شته ن
سه رزه وین به ره نگ سارای به هه شته ن.

fasli nawwaha, waxti gull gull gasta
sarzwin barrang saray bhasan.

هه یمای زوسان، ته شریف نه وه رده ن
نه وروز گول موژده ی وه هار تاوه رده ن.

haymaye zosan, tasrif nawardan
nawroz guilmuzday wahar awurdan.

وه هارنه، سه وزنه، تاوه ن، سه رکاوه ن
هاژه ی وه فراوه ن، شاخه ی شه تاوه ن.

waharan, sawzan, awan, sarkawan
hazay wafrawan, saxay satawan.

برگردان:

فصل نوبهار، هنگامه سیر و گلگشت است و

لحظه، یک جمله کوتاه با آوازی حزین خوانده می شود و بیشتر در مناطق گوران، سنجان، قلخانی و کلهر (از عشیره کرده) کاربرد دارد. لایبی مادران که امروزه در میان ایرانیان رواج فراوانی دارد، از آواز هوره گرفته شده است. زنان مشک زن و زنانی که احشام را می دوشند، هوره ای ویژه سرمی دهند که هوره شک زنی یا شیردوشی نام دارد.

با پیدایش تصوف در کردستان، درویشان قادر به هوره را با جذب و گریه و مویه می خوانند که به آن سوز [soz] گفته می شود.

آواز هوره بدون همراهی آلات موسیقی و تنها به وسیله فرد هوره خوان [هوره چر: horacirr] به شیوه ای خاص خوانده می شود. خواندن هوره و ادای آهنگین آن به وسیله هوره خوان به گونه ای است که در مقایسه با دیگر آوازهای فولکلوریک کردی بدون آهنگ و ریتم تند و مهیج است و می توان گفت که هوره آوازی است که نه غناست و نه نوحه و ماتم سرایی.

کرد هوره خان، غمگانه ناله سرمی دهد. او هنگامی که از ریا و نفاق و کذب انسانها به تنگ می آید، به هوره پناه می برد و درد درونش را با نوایی برآمده از دل سرمی دهد و از این رهگذار در پی گفتن و اثبات این مطلب است که از این عالم خاکی نیست و دل در گرو جایگاهی دگر دارد.

مناطق که هوره خوانی در آنها رواج دارد

این مناطق به سبب مرزی بودن، همواره سرگرم جنگ با مهاجمان برون مرزی بوده و در این جنگها همواره بهترین و دلیرترین مردان ایل، دوشادوش دیگر سواران میهن بر دشمن یورش برده و چه بسا بسیاری از این دلیرمردان به شهادت رسیده و مردم نیز همیشه سوگوار این دلاوران به خون خفته بوده اند. به همین سبب در این نواحی رنگ بیشتر لباسها - بویژه لباس زنان - به رنگهای تیره گرایش داشته و لباس «ماشته رش» که یکی از مهمترین لباس زنان این نواحی است، گونه ای پارچه سیاه است که زنان آن را روی لباسهای محلی می پوشند.

مقام های چهارده گانه هوره:

- ۱ - گوله خاک [gola xak]
- ۲ - گله و دَره [gila wadara]
- ۳ - بالادستانی [bala dastani]
- ۴ - شاه حسینی [sa husayni]
- ۵ - ساروخانی [saroxani]
- ۶ - جلو شایی [jilaw sayi]
- ۷ - تَرز [tarz]
- ۸ - مجنونی [majnuni]
- ۹ - سحری [sahari]
- ۱۰ - باری به [bariya]
- ۱۱ - دوبالا [du balla]
- ۱۲ - غزیری [qariwi]
- ۱۳ - بان بته یی [ban banayi]
- ۱۴ - پاوه موری [pawa muri]



زمین به رنگ صحرائی بهشت درآمد است.

زمستان هنوز نرفته

که نوروز با مزهٔ بهار در می‌رسد

بهار است و سبزه، آب است و کوهسار

و آوای برفابه و جوی و نهر جاری است.

ج. سروده‌های عاشقانه: که در آن مضامین هجر و دوری و مهر و ممشوق و قهر آمده است.

نه ترسم بمرم له م دوور وولاته

atirsim blmrim lam dur wullata

دل پرله خوزگه و ناخ و ئاواته

dill pirr laxozga-a-u-ax-u-awata

غه رییبی شاران هه ربو من خاسه

qaribi saran har bo min xasa

کراسم غه مه، به رگم په لاسه

kirasim qama, bargim palasa

بنو و سن له سه رکیلی مه زارم

binusin la sar kelll mazarim

شه هیدی عه شقم، مه ده ن تازارم

sahidi 'asiqim, madan azarim

خوزگه له م دنیا تویمان با یه پیم

xozga lam dinya toyan baya pem

چش! با له و دونیا دوزه خ بایه جیم.

cisi ba law dunya dozax baya jem

برگردان:

می ترسم در غربت بمیرم

با غم و اندوهی که مرا درگرفته است.

پشیمنه ام از اندوه است

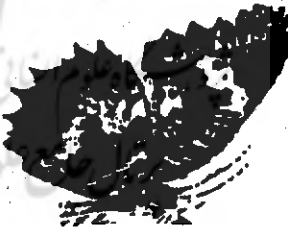
غریبم و رنجور.

بر سنگ مزارم بنویسید:

اینجا شهید عشق خفته است!

ای گاش که در کنارم بودی

با تو از دوزخم چه باک؟



د. سروده‌های مویه: سروده‌هایی که در آن از نامرادی و کژمداری روزگار ناله و شیون شده است.

نه و جا ده رنه چی خدَم له خه یالم

aw ja dar ace xam la xayallim

ده نگ دایه و تنت بایه له مالَم

dang daya wutinit baya lamallim

بلینه دایکم خوی بگری له نه فت

billina daykım xoy bigre la naft

لاشه ی روله که ی له و مه پدانه که فت

laasay rollakay law maydana kaft

فیشه کلفه که ت تون بوه ست وه پشت

fleak liqakat tun biwaest wa pist

وه کوری نامه رد خوت مه یه وه گوشت

wa kurri namard xo tmaya wakust

ده لال بانگ نه کاوه ده نگی زولال

dalal bang aka wadangi zullal

که نشک بی برا بکه ن زنده چال

kanisk be bira bikan zinda call

برگردان:

آنگاه غم از خاطرَم زدوده می‌شد

که صدای دایه دایه ات خانه را می‌انباشت

به مادرم بگویند خود را به نفت بیالاید و بسوزاند

چرا که پیکر فرزند دلیندش بر خاک افتاده، در میدان

تیردان خود را تند به کمر ببند

مبادا خود را به دست نامرد زاده‌ای به کشتن دهی

زیبارویی با صدای لطیف فریاد می‌زند

دختر برادر مرده را زنده به گور کنید.

نمونه‌ای دیگر از هوره مویه

ده روونم پره له ژان

darunim pirra la zan

فرمیسک نه رژی له چاوان

firmsk arrze la cawan

پشتم شق بو و چه ماوه

pistim saq bu camawa

هه روه کوو که مه ی گوچان

har waku kamay gocan

برگردان:

جانم از درد انباشته است و

چشم‌هایم از اشک

پشتم خمیده است

همچون کمان

هه سروده‌های ستایش: سروده‌هایی هستند ویژه ستایش و راز

و نیاز با پروردگار پاک‌ها و راست‌ها.

بی گاوآن گاوی، بی گاوآن گاوی

begawan gawe, begawan gawe

گاوی بی گاوآن، بی گاوآن گاوی

gawi begawan, begawan gawe

تا سه رنه سپارن که رده ولایوی

ta sar nasparin karda wilawe

تا حقه نه شناسن دور نه گشت باوی

ta haq nasnasin dur na gist bawe

برگردان:

گاوی بدون چوپان و نگاهبان،

سرگردان می‌شود

تا سر نسیارید، راه را نیابید

تا حق را نشناسید به نیکی نرسید.

